



جهادسیستان و بلوچستان

در مسیر برنامه ریزی

بیرون آمد.

برخلاف «ادارات» که هرچه از مرکز دورتر باشند، قدرت عملشان محدودتر شده و کارائی خود را از دست می دهند. «جهاد» ارگانی است که در تنهایی ها و غربت های گوشه و کنار ایران نه تنها کارایی خویش را از دست نمی دهد، بلکه در میان همین کمبدها و دورافتادگی از مرکز و... به «برنامه ریزی» می رسد و خطوط نیل به خودکفایی و استقلال اقتصادی را ترسیم می کند.

اگر چه جهاد تا به حال خدمات شایان توجهی در سطح مملکت و در سطح استان سیستان و بلوچستان انجام داده است، ولی انجام «این همه» و ارائه کارنامه ها و نمودارهایی از این دست، به معنای این نیست که همه کارها همین است و آنچه که «می بایست»، انجام شده است. جهادبایستی به فکر آینده و ارائه برنامه هایی مبتنی بر موازین و معیارهای اسلام بر شرایط و اوضاع و احوال خاص منطقه ای باشد.

اگر مملکت در شرایطی است که بنایه دلایلی نمی توان برنامه هایی مشخص و قابل دسترس را در سطح استان به اجرا درآورد، چرا جهاد بایستی دست روی دست بگذارد و منتظر شروع اقدامات از بالا باشد؟

این نکته ای است که برادران جهاد استان سیستان و بلوچستان نیز به آن رسیده اند و آنطور که خود گفته اند: «ما در سطح استان مستقل از مرکز، به برنامه ریزی رسیده ایم.»

جهاد بایستی همواره بدانند در چه مرحله ای «است» و فردا نیز در چه مرحله ای «می خواهد باشد» و این جز با «برنامه ریزی» ممکن نیست. داشتن برنامه نیز لزوم آشنائی کامل با منطقه در وهله اول و آشنائی کامل به خود «جهاد» بعنوان ارگانی دست



فعالیت های آب رسانی به روستاهای خشک و بی آب بلوچستان از جمله «فعالیت» های جهاد بوده است

هرچه از مرکز استانها و شهرها دورتر می رویم، جهاد نقش واقعی خود را در رابطه با امور کشاورزی و کمک به روستائیان در این امور و انجام اقداماتی در راه نیل به خودکفایی و استقلال و... بیشتر باز می یابد.

بلون تردید، در حال حاضر، جهاد سازندگی یکی از ارگان جامعه روستائی ایران را تشکیل می دهد. تا به آنجائیکه مثلا جهاد سازندگی «زرآباد» واقع در حوالی چاه بهار تنها ارگان و نهاد مملکتی است که پای بدان سلمان نهاده و تنها مرجع رسیدگی به خواست ها و نیازهای مردم است.

جهاد در نقاط دور افتاده ای مانند «زرآباد» که در گوشه و کنار ایران چندان هم کم نیستند، هم پدر مردم است و هم مادر مردم. تمام کارهایی که وزارتخانه های مختلف هر کدام «گوشه ای» از آنرا انجام می دهند، جهاد در این گونه مناطق به «تمام و کمال» انجام می دهد. هم کار کشاورزی، هم بهداشتی، هم عمرانی، هم فرهنگی و...

در این نقاط محروم فقط و فقط «جهاد» است که به داد مردم می رسد و فقط «جهاد» است که می تواند نیازهای آنرا برآورده سازد و این مسئولیتی بس عظیم بر دوش جهادگران می گذارد، مسئولیتی که اگر خدای ناکرده غفلتی در به انجام رسانیدن آن صورت بگیرد شاید جبران آن به این سادگی هایسیر نباشد.

اما مهمترین وظیفه ای که در حال حاضر حس می شود، لزوم پرداختن به خود و برنامه ریزی های دراز مدت و کوتاه مدت لااقل در سطح خود جهاد است. تنها در صورت داشتن برنامه و طرح است که می توان در آخر هر دوره به جمع بندی و ارائه کارنامه پرداخت و تنها در این صورت است که می توان از کوران حوادث و مشکلات سربلند و سرفراز

✱ جهاد با استفاده از نیروی کار مردم و درازای مزد مردم را به کار گرفته و تا به حال حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلومتر راه روستایی به وسیله «بیل و کلنگ» احداث نموده است.

✱ برادر خیابانی: مادر این ناحیه دور افتاده، به طور مستقل و خودکفا و به دور از مسائلی که در مرکز و کل کشور می گذرد، به «برنامه ریزی» رسیده ایم



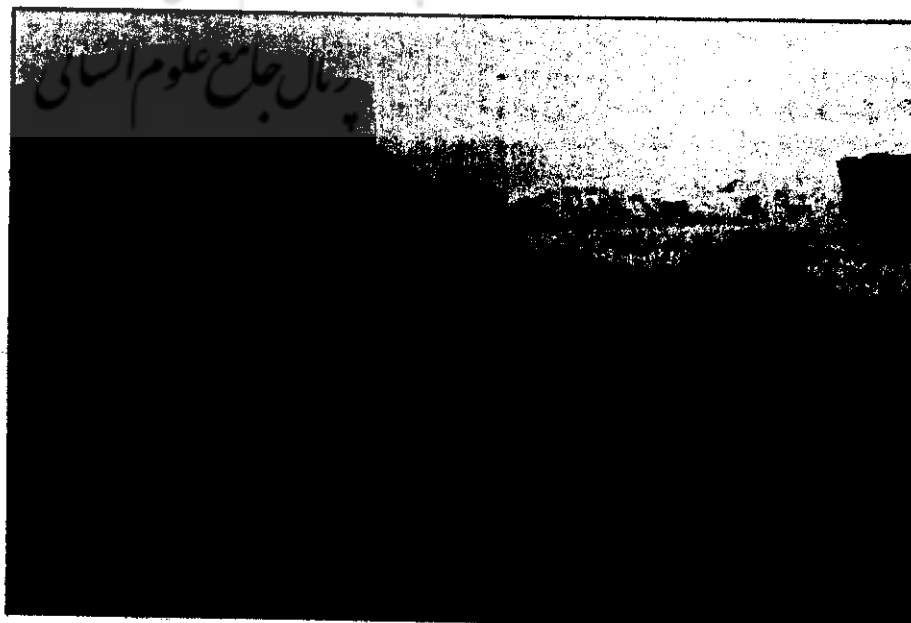
مجتمع دامداری جهاد در ایرانشهر

کارخانه رب گوجه فرنگی نموده ایم. در زابل که گاو و شیر آن فراوان است، در صدد احداث کارخانه شیر پاستوریزه هستیم و همینطور در ایرانشهر که جهاد دارای یک گاوداری بزرگ است، در کنار آن اقدام به تاسیس کارخانه شیر پاستوریزه نموده ایم که عملیات مقدماتی آن شروع شده است. علاوه بر این صنایع که ذکر شد، جهاد سازندگی اقدام به احداث صنایع دیگری که می تواند در رشد اقتصادی منطقه مؤثر باشد، نموده است، منجمله کارخانه «بلی اتیلن» در ایرانشهر و لنج سازی در چاه بهار. همانطوریکه می دانید دریای عمان دارای منابع غنی «ماهی» است که تا بحال بهره برداری از آن عمدتاً بدست خارجی ها صورت می گرفت. رژیم سابق در مقابل کرایه ای که از خارجی ها دریافت می کرد، به آنها اجازه می داد در آبهای دریای عمان به ماهیگیری بپردازند و این در حالی بود که ماهیگیران بومی بلوچ فاقد هرگونه امکانات ماهیگیری مثل لنج و تور و دیگر وسایل ماهیگیری بودند. در حال حاضر ما بر آن هستیم که با رشد صنعت لنج سازی و مقدمات رشد ماهیگیری و به دنبال آن خودکفایی در این زمینه ها را فراهم آوریم. البته به غیر از همه اینها که ذکر شد، بعضی صنایع دیگر نیز مانند کارخانه بسته بندی خرما و کارگاه آبریزی، در منطقه توسط جهاد احداث شده است.

نکته مهمی کسبه در رابطه با کشاورزی در بلوچستان قابل ذکر است. این است که این منطقه برخلاف سیستان که فاقد هرگونه آب زیر زمینی است، دارای منابع غنی آب زیر زمینی و مقادیر زیادی آب به صورت رودخانه و... می باشد. در همین حال بیش از ۲۰۰۰ رشته قنات در لطفاً ورق بزنید

مرکبات، پرتقال، گندم و تا حدود زیادی جو و ذرت، از جمله محصولات کشاورزی بلوچستان به شمار می روند. از آنجا که سیاست کلی «جهاد» مبتنی بر حمایت از صنایع کوچک، منجمله صنایع کوچک کشاورزی است، در حاشیه تولید این محصولات کشاورزی، برای بوجود آوردن صنایع کوچک کشاورزی اقدام نموده است. مثلاً در «نیک شهر» که «لیمو» فراوان است، کارخانه آبلیموگیری توسط جهاد برآه افتاده است و یا در چاه بهار که «گوجه فرنگی» فراوان به عمل می آید، اقدام به تاسیس

اندرکار و مسئول را مستلزم می باشد. در همین رابطه گفتگویی داریم با برادر محمدجواد خیابانی، عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی استان سیستان و بلوچستان. برادر خیابانی ابتدا به اوضاع کشاورزی و محصولات کشاورزی منطقه و آنچه که جهاد در این رابطه انجام داده و یا در صدد انجام دادن آن است، پرداخته و چنین گفت: «در بلوچستان به علت خصوصیات آب و هوا، بیشتر محصولات گرمسیری به عمل می آید. خرما،

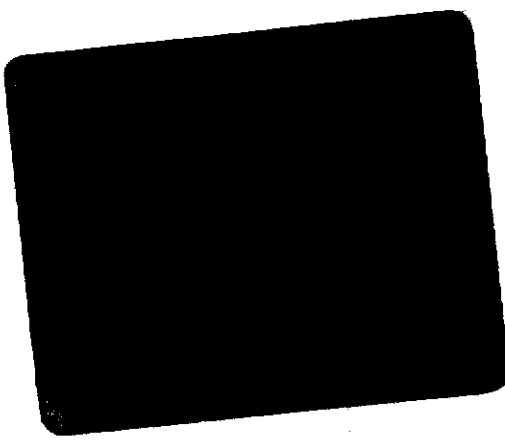


یکی از «کوره های آبریزی» جهاد در خاش

بلوچستان وجود دارد و با حفر چاه عمیق هم می توان به آب رسید. «جهاد» تا به حال در حدود ۲۰۰ دستگاه موتور پمپ بصورت وام در اختیار کشاورزان قرار داده است. همچنین در رابطه با حفر چاه عمیق واحیاء قنوات خشک نیز برخورد فعال داشته ایم. در زمینه «خدمات کشاورزی» انواع امکانات مختلف مثل: ماشین آلات کشاورزی بذر و کود در اختیار کشاورزان قرار داده ایم. علاوه بر اینها وقتی یک محصول به عمل می آید و باید زود به بذر عرضه شود تا روی دست کشاورز نماند «جهاد» سازندگی وارد عمل شده و محصولات را از کشاورزان خریداری می نماید. به عنوان مثال جهاد سازندگی برای شروع کار، در اختیار عده ای از کشاورزان وام قرار داده است تا به کشاورزی بپردازند. بعد معادل این وام را از آنها گندم به قیمت دولتی خریداری می نماید و همان گندم را به بعضی مناطق عشایر تشین که قیمت گندم در آنجا به کیلویی ۱۰ تومان هم می رسد، برده و با قیمت دولتی در اختیار عشایر قرار می دهد. در این میان علاوه بر اینکه عده ای به کار مشغول می شوند و خود رزق خود را به دست می آورند، یک عمل اقتصادی با حذف کلی واسطه انجام می گیرد.

ساختن راه بایبل و کلنگ!

عمده ترین مسئله ای که در رابطه با عمران منطقه بلوچستان وجود دارد، کمبود شدید راه های ارتباطی در این ناحیه است. منطقه ای به وسعت ۲ کل ایران و پراکندگی شدید جمعیت تقریباً فاقد هر گونه راه ارتباطی مناسب فی مابین بخش ها و روستاهای پراکنده آن می باشد.



برادر خیابانی عملکرد جهاد را در این رابطه چنین به جمع بندی نهشته و می گوید: هر یکی دوسال اول انقلاب که مسائل سیاسی بسیار حاد بود، ما اقدام به احداث جاده های «بیل و کلنگی» در منطقه نمودیم به این ترتیب که در لزای پرداخت مزد مردم را به کار گرفته و به امر جاده سازی وا می داشتیم. این عمل علاوه بر اینکه «اشتغال زا» بود، باعث گسترش شبکه ارتباطی مابین روستاها و بخشها می شد.

با استفاده از این شیوه تا به حال در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلومتر راه بیل و کلنگی در سطح استان احداث شده است. که هر قطعه ای از آن بطول ۲ الی ۱۵ کیلومتر، یکی از روشنهایی دورافتاده و فاقد جاده را به شبکه ارتباطی وصل می کند. به غیر از اینها که تقریباً محور کارهای جهاد در سیستان و بلوچستان است، جهاد به فعالیت های دیگری نیز دست یازیده است. از انجمله می توان

تأسیس ۶۰ واحد شرکت تعاونی در سطح استان، احداث ۳ واحد پمپ بزمین برای سوخت رسانی در سطح استان تکمیل مدارس نیمه تمام، احداث موتورخانه برای کشاورزان، احداث مسجد پل و... را نام برد. به علاوه تأسیس کتابخانه و فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی نیز از جمله فعالیت های جهاد در بلوچستان بوده است.

«جهاد» به برنامه ریزی می اندیشد.

برادر خیابانی عضو شورای مرکزی جهاد سیستان و بلوچستان در مورد برنامه ریزی برای جهاد می گوید: «ما در اینجا و در این ناحیه دورافتاده، بطور مستقل و خودکفا و به دور از مسائلی که در مرکز و کل کشور می گذرد، به برنامه ریزی رسیده ایم. هرمانه نیز سمینارهایی داریم که همه برادران عضو شوراهای شهرستوها و بخش ها گردیکدیگر جمع شده و خط مشی آینده جهاد نیز در همین جلسات ترسیم می شود».

ماتصمیم گرفته ایم سال ۶۱ را سال «برنامه ریزی برای جهاد» بدانیم و بر همین اساس تا بهال به نتایج مشخصی نیز رسیده ایم. اولین اولویتی که مورد اتفاق جلگی برادران قرار دارد «افزایش تولیدات کشاورزی» از طریق کمک هرچه بیشتر جهاد به کشاورزان چه از طریق واگذاری وام یا واگذاری زمین و ابزار آلات کشاورزی و یا تأمین آب زراعی می باشد.

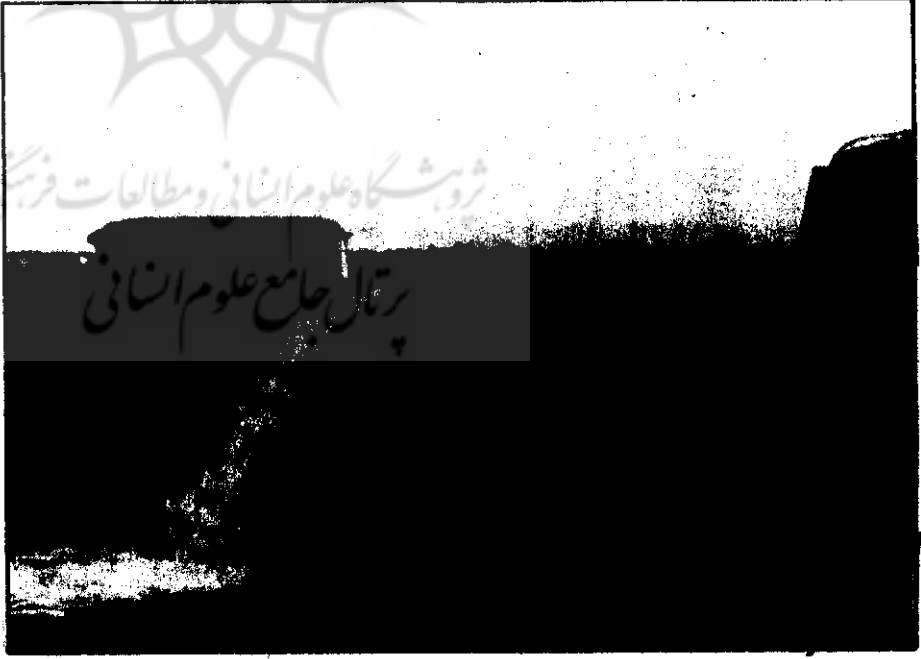
مسئله دوم «راهسازی» است. همانطوریکه گفتیم، راه یکی از عمده ترین مسائل استان است و ما تصمیم گرفته ایم در گسترش شبکه ارتباطی استان فعالیت و کوشش نماییم.

مسئله سوم آب آشامیدنی است. در بعضی از مناطق استان مثل زابل، مردم به معنای واقعی کلمه «آب گندیده» مصرف می کنند و نمونه هایی از این دست در سطح استان قزلوان است. تأمین آب آشامیدنی، مسئله ای است که گرچه جهاد فعالیت زیادی روی آن انجام داده است، ولی در سال ۶۱ تصمیم گرفته ایم، انشاء... با این موضوع فعال تر برخورد نماییم.

چهارمین محور فعالیت های جهاد در سال ۶۱ را احداث و گسترش صنایع کوچک و خصوصاً صنایعی که در ارتباط با کشاورزی باشند، تشکیل می دهد. و در آخرین مرحله احداث مراکز درمانی و بهداشتی و فعالیت های عمرانی مثل احداث مدرسه و مسجد و پل و برق رسانی را در دستور کار قرار داده ایم.

برای نیل به اهداف فوق سیاست هایی را نیز اندیشیده ایم. منجمله

برای بالا بردن راندمان کار، تعداد زیادی از «جهادهای بخش ها» را مستقل کرده ایم. مثلاً «جهاد زرابانه» که می بایستی زیر نظر جهاد چابهار باشد، در حال حاضر بطور مستقل و در رابطه با زاهدان عمل می کند. راندمان کارش نیز بالاتر است. همین طور



دوبلوچستان آب زیرزمینی به وفور یافت می شود.

در نیک شهر و دلگان و... جهادهای مستقل بوجود آورده ایم

مشکلات جهاد

در مورد مشکلاتی که جهاد پشت سر گذاشته است، ذکر این نکته کافی است که در آن اوایل وقتی جهاد به روستایی «برق» می برد، مردم با «تیر» تیرهای برق را می خوابانند یعنی که ما برق نمی خواهیم و یا مثلا شعار می دادند: «جهاد سازندگی، مایه شرمندگی» ولی در حال حاضر وقتی از همه ادارات نا امید می شوند، به سوی جهاد می آیند و تقاضایشان را با برادران جهاد مطرح می کنند حتی در بعضی از مناطق مثل هراز آب پای هیچ اداره دولتی غیر از جهاد نرسیده است و طبیعی است که مردم هم فقط و فقط «جهاد» را در نظر دارند و برآمده شدن خواسته هایشان را از جهاد انتظار دارند.

در حال حاضر جهاد آنچنان توانسته است در اعماق دل مردم رسوخ کرده و جای خود را باز کند که واقعا غیر قابل تصور است. حتی در بعضی از مناطق، مردم ریش سفیدها و افراد محترم روستا و یا طایفه شان را به سراغ دفتر جهاد فرستاده و می گویند: «که باید بیاید در روستای ما دفتر جهاد سازندگی باز کنید. اگر نیاید ما اینجا تحصن می کنیم» و نمونه هایی از این دست فراوان مشاهده می شود.

مشکلات داخلی جهاد

اصولا هر «جهادی» در هر منطقه ای به غیر از یک سری مشکلات که بین همه «جهادها» در سطح کشور مشترک است، بایکسری مشکلات «خاص» نیز مواجه است. خاص ترین مشکلی که جهاد استان سیستان و بلوچستان با آن روبروسته، «کمبود نیرو» است.

برادر خیابانی در این مورد می گویند: «کار کردن در این منطقه صبر و حوصله و تحمل فراوان می خواهد و حقیقتا کمتر کسای هستند که دارای مزایای فوق بوده و به علاوه بتوانند شرایط جغرافیایی منطقه را به هیچ گرفته و مشغول فعالیت شوند. از همین روست که عمده ترین مشکل ما کمبود نیرو است که البته بعضی از استنها برای ما آکیم هایی می فرستند ولی پس از اینکه مدت معلومیت این آکیم ها تمام شود و کسی جایگزین آن نشود، دوباره هروز از نو، روزی از نو، گذشته از این، بیشترین نیرویی که مورد نیاز ما است، نیروهای در سطح شورای شهرستان و شورای استان و... است. که واقعا ما در این زمینه کمبود داریم. در حال حاضر شورای استان از ۲ نفر تشکیل می شود و اصولا خود جهاد استان، نماینده امام ندارد و در بعضی از مواقع که با مسائل شرعی مواجه می شویم، واقعا نمی دانیم چه بکنیم. عین همین مساله در شهرستان ها هم هست.

در سمینار اخیر جهاد هم این مسائل را گفتیم ولی

عده ای اینچنین برداشت می کردند که ما «مظلوم نمایی» می کنیم و می بیناشتند و واقعتا غیر از این است. استان هایی مثل اصفهان، تهران، خراسان و... که از لحاظ نیروی انسانی کارآمد دارای غنای بیشتری هستند، باید بیشتر به فکر استان های دور افتاده ای مثل سیستان و بلوچستان باشند. البته ممکن است بعضی مواقع نیروهایی از استنهای دیگر اعزام شده و به اینجا بیایند، ولی وقتی اینها تفرقه نشوند و وقتی از لحاظ روحی و روانی حمایت و تقویت نشوند، پس از چندی منطقه را ترک می کنند و پس از آن هم کسی به جایشان نمی آید.

نقاط قوت

این مشکلات و نقطه ضعف های ما بود ولی حیف است که گوشه هایی از نقاط قوتمان را نیز برای شما نگویم.

ما در اینجا کلا درگیری و مساله «شخصی» تا به حال نداشته ایم. صفا و صمیمیتی که در بچه ها هست و ایمان و خلوصی که در کارها مشاهده می شود، مانع از ایجاد هر گونه «مساله شخصی» است. هر وقت می خواهیم جلسه ای بگیریم، خبر می دهیم که در فلان روز در فلان جهاد (که غالبا شهری غیر از زاهدان است)، جلسه داریم.

سمینارها هیچ تشریفاتی ندارد و اخلاق بچه ها هم «جهادی» است. این بزرگترین نقطه قوتی است که ما دلرا هستیم. بچه ها همه با هم «یکدل» و «یک رنگ» هستند و اگر غیر از این باشند، نمی توانند کار کنند. در حال حاضر همین روابط عاطفی بین بچه ها، مهمترین عاملی است که باعث تقویت روحیه ها می شود. در همین رابطه بایستی به برادرانی که در دفتر مرکزی هستند، تذکر داد، که «کار کردن در اینجا را نعمت تلقی نکنند» و اینطور فکر نکنند که کار کردن در استنهای محرومی مثل سیستان و بلوچستان، نوعی تبعید و کسر شان و از این چیزهاست. کار کردن در اینجا باید بداند که در برادرانی که به این استان می آیند، باید بداند که در اینجا از خود چیزی مایه نمی گذارند، بلکه چیزی کسب کرده و بر هروجه «جهادی» خود می افزایند.

«ارزش» جهاد به این است که عنصر «فداکاری»، «ایثار» و «از خود گذشتگی» در آن به بهترین صورت متجلی می شود و تنها عامل پیروزی و اصولا پارچایی جهاد نیز همین بوده است. بنابراین بایستی همچنان به این عوامل اهمیت بیشتری داده و آنان را همواره مدنظر داشت.

آن برادر جهادگری که در روستاهای دور افتاده و محروم بلوچستان «عملگی» می کند، مطمئنا ارزش و مقاش در نظر خدا، بالاتر و والاتر از آن کارهای جهاد است که در مرکز شهر و یا استان مشغول به کار هستند.

بر همین اساس است که جهاد در استان سیستان و بلوچستان شکل گرفته، به حیات خویش ادامه داده و تا به حال نیز پابرجا مانده است.



جهاد در راه احداث صنایع کوچک

❁ سیاست کلی جهاد افزایش تولیدات کشاورزی، راهسازی، تامین آب آشامیدنی، احداث و گسترش صنایع کوچک و فعالیتهای عمرانی و بهداشتی و فرهنگی می باشد.

❁ برای تأسیس دفتر جهاد در مناطق، مردم حتی به تحصن دست می زنند!